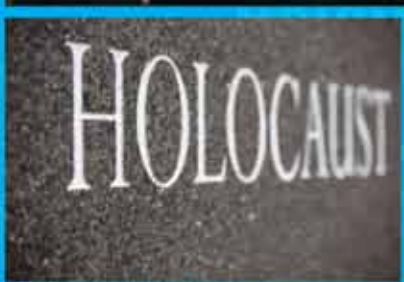


پایگاه تبیینی
و تحلیلی جریانشناسی

www.Didban.ir

پیرایه



چراگهی

دولت‌ها

بحران می‌سازند؟

پایگاه تبیینی
و تحلیلی جریان شناسی
www.Didban.ir



مطالب این بولتن صرفاً جهت اطلاع
رسانی بوده و نقل از آن تنها با ذکر
منبع مجاز می باشد.

الجمهورية
البحرينية



چرا [گاهی] دولت‌ها بحران می‌سازند؟

رقابت و امتیازگیری در عرصه بین‌الملل، از مفاهیم پذیرفته شده میان حکومت‌ها است و هر حکومتی برای رسیدن به اهداف خود در عرصه بین‌الملل از روش‌های مختلفی استفاده می‌کند که بحران سازی برای کشور مقابل یکی از این روش‌ها است، حال جای این سوال باقی است که چرا دولت‌ها گاهی در حکومت داخلی خود، بحران ایجاد می‌کنند؟

اما به راستی چرا [گاهی] دولت‌ها بحران می‌سازند؟ در پاسخ به این سوال باید خاطر نشان ساخت که علی‌رغم تصور اولیه، علل فراوانی باعث می‌شود که دولت‌ها دست به بحران سازی بزنند:

۱۱ مظلوم‌نمایی

یکی از اولین عللی که باعث می‌شود یک دولت دست به ایجاد بحران بزند ایجاد حس مظلومیت و بهره بردن از مواهب مظلوم‌نمایی است. به طور معمول انسان‌ها گرایش دلسوزانه و حامیانه‌ای نسبت به کسی که او را مظلوم ببینند دارند و همین باعث می‌شود که بسیاری از سیاست‌یون تلاش کنند که در اذهان عمومی حالت مظلوم به خود بگیرند. نکته قابل توجه آن است که بحران‌ها به طور معمول و یا لاقط در برخی از موارد آن فضایی احساسی ایجاد می‌کنند. (شاید از همین روست که در تعریف لفظ Crisis در بسیاری از لغت‌نامه‌های معتبر غربی به معنی «حادثه یا تغییر احساسی قابل توجه» اشاره می‌کنند. اگر دولتی بتواند با ایجاد بحران‌ها به نوعی جلوه دهد که دست تنها مانده است و مخالفان و دشمنان و معاندان و ... همه با هم علیه او بحران سازی می‌کنند می‌تواند حالت مظلومی را به خود بگیرد که در کسب حمایت افکار عمومی و جلب ترحم آنها موفق عمل نماید.

ماجرای المپیک ۱۹۷۲ مونیخ و کشته شدن تعدادی از ورزشکاران رژیم صهیونیستی نمونه‌ای از مظلوم‌نمایی این رژیم در عرصه بین‌الملل بود که بعد از این حادثه، رژیم صهیونیستی ترورهای بیشماری را با نام "عملیات خشم خدا" (Operation Wrath of God) و با توجیه انتقام المپیک مونیخ علیه فعالان فلسطینی به راه انداخت، حال آنکه بعد از مدتی مشخص شد که موساد پشت این گروهان‌گیری بوده و به دنبال دستاویزی برای توجیه ترورها و اقدامات بعدی خود بوده است.^۱

به طور معمول ایجاد ثبات را یکی از کارویژه‌های دولت‌ها می‌انگارند و چنین تصور می‌شود که از جمله اهداف دولت‌ها ایجاد ثبات در داخل مرزهای خود و در منطقه‌ای است که در آن قرار گرفته است. تا حدی که گاه ایجاد ثبات را در تعریف دولت و سیاست داخل می‌کنند. این بدان معنی است که به طور معمول چنین تصور می‌شود که دولت‌ها در داخل و خارج خود خواهان ثبات هستند. البته این ثبات خارجی تا جایی است که وجود آن به ثبات در داخل منجر شود.

اما بر خلاف این تصور اولیه گاه شاهد آن هستیم که دولت‌ها بحران می‌سازند. بحران سازی دولت‌ها هنگامی که در عرصه جغرافیایی و با هدف ایجاد بی‌ثباتی در کشورهای رقیب باشد چندان تعجب آور نیست؛ بلکه به صورت طبیعی می‌توان آن را یکی از راه‌های کسب قدرت و تضعیف رقیب دانست، اما هنگامی که مشاهده می‌کنیم که یک دولت مستقر و تثبیت شده در درون خویش و برای خود بحران می‌سازد، نیازمند نگاهی دوباره به مفهوم بحران و علل بحران سازی دولت‌ها هستیم.

پیش از این که بخواهیم به بررسی هدف اصلی متن حاضر که همان بررسی علل بحران سازی دولت‌هاست بپردازیم شایسته است که توجه کنیم که بحران‌ها انواع و اقسامی دارند. انواع بحران‌ها را می‌توان متناظر با همه عرصه‌های مطالعات انسانی و اجتماعی دانست و علاوه بر تقسیم بحران‌ها بر اساس این رشته‌ها مثل اقتصادی و سیاسی و امنیتی و ... بحران‌ها را بر اساس جغرافیای سیاسی به دسته‌های داخلی و خارجی، بر اساس وسعت به منطقه‌ای و جهانی و ... بر اساس ماندگاری به کوتاه مدت و بلند مدت و ... تقسیم کرد. مساله بررسی و مطالعه بحران‌ها و بحران سازی‌ها اکنون به حدی جدی شده است که از «مطالعات بحران» به عنوان یک حیطه پژوهشی سخن به میان می‌آید.



تصویری از گروگان‌گیرها در المپیک مونیخ

پی‌نوشت



شامیر» نویسنده یهودی می گوید: کسی که بیش از همه از صنعت هولوکاست و نتایج آن سود می برد، آمریکا و اسرائیل است، آمریکا برای پیگیری اهداف خود در منطقه و اسرائیل برای داشتن پایگاهی در مهم ترین منطقه جهان برای سیاست های خود.²



اوپاما در موزه هولوکاست در واشنگتن

بی نوشت

2 - <http://www.ushmm.org/education/foreducators/guideline/>
3 - http://www.israelshamir.net/English/Who_Needs.htm

حتی مطالعه آن در مدارس^۲، موجب شد تا این عبارت کاربرد انحصاری یابد؛ به طوری که امروز بنا به تأکید سازمان های صهیونیستی، هیچ قوم و ملتی حق استفاده از این واژه را برای هیچ واقعه ای ندارد.

آن ها همچنین اصرار دارند که هولوکاست در زبان لاتین، همانند اسامی خاص، با حروف «H» بزرگ نوشته شود و به علاوه، هیچ رویدادی، هر چند بزرگ، نباید با آن قیاس، یا در یاد کردن آن، از این عبارت استفاده شود.

برای مثال، اگر مورخ یا نویسنده ای، از قتل عام وحشیانه و مشهور صدها هزار انسان بی دفاع دو شهر ژاپنی «هیروشیما» و «ناکازاکی» که بر اثر بمباران اتمی آمریکا در روزهای پایانی جنگ جهانی دوم به خاکستر تبدیل شدند و یا موارد مشابه دیگر در ویتنام، بوسنی، فلسطین، عراق، افغانستان و ... به عنوان هولوکاست یاد کند، بلافاصله از سوی کانون های صهیونی مورد مؤاخذه و نکوهش قرار می گیرد و متهم به سوء استفاده از این واژه ای انحصاری متعلق به یک قوم! می شود.

فارق از تمام حواشی افسانه هولوکاست، نتیجه ای که در اثر این ادعا و مظلوم نمایی یهود دیده می شود، قابل توجه است و آن چیزی نیست جز اشغال فلسطین به دلیل ظلم نازی به یهودیان!!! آنچنان که «اسرائیل

■ صنعت هولوکاست دستاویزی برای مظلوم نمایی یهود در گذشته، حال و آینده

یکی از نمونه های مظلوم نمایی در عرصه بین الملل که توسط یهودیان مورد حمایت قرار گرفته و تبعات آن در حال حاضر نیز به چشم می خورد، صنعت هولوکاست است. ادعا و مظلوم نمایی که بدون اثبات سبب اشغال، نسل کشی، آوارگی و مهاجرت میلیون ها نفر از ساکنان اصلی سرزمین اشغالی شده است.

"هولو کاست" یک واژه ای مرکب یونانی و به معنای «همه سوزی» در ادبیات فارسی، و معادل آن «شوآ» در زبان عبری رایج امروز است.

این واژه پس از جنگ جهانی دوم، از سوی اشخاص و کانون های یهودی وارد فرهنگ سیاسی و تاریخی جهان شد. ادعای آن ها بر این فرضیه استوار بود که شش میلیون یهودی در اردوگاه های اسیران جنگی در آلمان نازی به وسیله "اتاق های گاز" خفه شده و سپس در "کوره های آدم سوزی" سوزانده و به خاکستر تبدیل شده اند.

تبلیغ گسترده و تکرار پیوسته ای این موضوع از سوی گروه ها و سازمان های یهودی در فیلم ها، نمایش نامه ها، سریال های تلویزیونی و انبوه رمان های پس از جنگ و

۲۶ = پرواندازی

یک هدف دیگر که می‌توان برای بحران سازی دولتی در نظر گرفت ایجاد حالت سرنگونی برای آن نظام مستقر و خاتمه دادن به حیات سیاسی آن است. به عبارت بهتر یکی از علل بحران سازی دولتی می‌تواند آن باشد که دولت مستقر خواهان پایان دادن به آن نظام سیاسی است و از این جهت دست به ایجاد بحران می‌زند. چرا که بحران‌ها می‌توانند پایه‌های نظام مستقر و حاکم را که دولت نیز یکی از بخش‌های آن است تضعیف و زمینه را میان رفتن آن را فراهم سازد. به عنوان مثالی در این زمینه گاه به بحران‌سازی‌های سیاسی گورباچف در شوروی سابق اشاره می‌کنند که او با ایجاد طرح‌هایی مانند پروستریکا و گلاسنوست در حقیقت زمینه براندازی و سرنگونی نظام شوروی را فراهم آورد. در این تحلیل‌ها طرح‌های اصلاحی گورباچف، بحران‌سازی‌هایی در جهت سرنگونی نظام شوروی شناخته می‌شوند.

■ حادثه کوی دانشگاه تهران (۱۸ تیر ۷۸)، تلاشی اقلیت برای سرنگونی نظام

در دهه دوم پس از پیروزی انقلاب اسلامی اگر بخواهیم حادثه‌ای را به عنوان نماد بیرونی و بارز «توطئه پنهان» و دست‌های منافقین داخلی و خارجی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی نام ببریم، شاید مهم‌ترین حادثه، واقعه ۱۸ تیر ۷۸ باشد.

غائله ۱۸ تیر؛ واقعه‌ای که اگرچه به نظر در مدت کوتاه چند روزه اتفاق افتاد و خاتمه یافت، اما در تحلیل آن نقش عناصر داخلی برای براندازی کلیت نظام غیر قابل انکار است.

بعد از عزم مجلس پنجم برای اصلاح قانون مطبوعات ۱۳۶۴، مهاجرانی به عنوان وزیر فرهنگ اصلاحات عملاً به بهانه تحدید آزادی مطبوعات با این اقدام مجلس مخالفت کرد؛ در همین راستا، مطبوعات زنجیره‌ای نیز با به راه انداختن هیاهو و جنجال، سعی در وادار نمودن مجلس به عقب نشینی از تصمیم خود داشتند و روزنامه سلام در اقدامی غیرقانونی دست به انتشار یک خبر کاملاً سری و محرمانه به نقل از یکی از مقامات

ارشد وزارت اطلاعات زد که این امر بر شدت اتهامات سیاسی در کشور افزود.

در پی این اقدام، وزارت اطلاعات دولت اصلاحات شکایتی را علیه روزنامه اصلاح طلب تنظیم و آن را تسلیم قوه قضاییه نمود، تا قوه قضاییه عاملین این اقدام غیر قانونی را مورد پیگرد و مجازات قرار دهد.

دادگاه ویژه روحانیت نیز در پی این شکایت، روزنامه سلام را به جرم انتشار اسناد طبقه بندی شده توقیف نمود. البته در همان روز وزارت اطلاعات در پی فشارهای سیاسی تعدادی از اصلاح طلبان تندروی وابسته به حزب مشارکت و مجاهدین انقلاب، ناچار به پس گرفتن شکایت خود شد ولی هیچگاه محرمانه بودن این نامه را انکار نکرد، بلکه یونسی وزیر اطلاعات وقت، بارها پس از آن ماجرا بر محرمانه بودن نامه تأکید کرد. وی چند ماه پس از انتشار نامه و توقیف روزنامه سلام، در مصاحبه‌ای تصریح کرد: «نامه، مربوط به سعید امامی نبوده بلکه از حوزه مشاورین وزیر، خطاب به وزیر ارسال شده و موضوع نامه نیز مربوط به اصلاح قانون مطبوعات نیست» بنا به گفته وزیر اطلاعات روزنامه سلام با حذف صدر و ذیل نامه صرفاً استفاده جناحی و سیاسی نموده است.^۴

اما همه خرابکاری‌ها، اعتراضات غیر قانونی و موج تخریبی روزنامه‌های زنجیره‌ای همچون صبح امروز، نشاط و... از ۱۷ تا ۲۳ تیر ۷۸ در حالی بود که شواهد فراوانی حتی قبل از آغاز تشنجات وجود داشت که غائله ۱۸ تیر، برنامه‌ای حساب شده جهت بحران سازی و مظلوم نمایی افراطیون است؛ پنج روز قبل از سناریوی کوی دانشگاه، روزنامه صبح امروز، وابسته به حزب مشارکت، پا را از تهدیدات تلویحی فراتر گذاشته بود و در یادداشت روز ۱۳ تیر ۱۳۷۸ خود، مسئولان را به ایجاد شورش و آشوب تهدید کرده و یادآور شده بود که «اگر طرح تصویب گردد، اغتشاش ایجاد می‌شود» و روزنامه نشاط، جریده دیگر حزب مشارکت نیز به این شکل تهدید به خشونت کرده بود: «صاحب‌نظران بر این باورند که ورود به قلعه فتح شده چپ‌گرایان، یک ریسک خطرناک برای محافظه‌کاران است... ناظران پیش‌بینی می‌کنند که طی روزهای آینده دفتر تحکیم وحدت و بدنه اجتماعی مدافع جناح چپ وارد صحنه شوند.»^۵



در این زمینه گاه به بحران‌سازی‌های سیاسی گورباچف در شوروی سابق اشاره می‌کنند که او با ایجاد طرح‌هایی مانند پروستریکا و گلاسنوست در حقیقت زمینه براندازی و سرنگونی نظام شوروی را فراهم آورد ■■■

پی‌نوشت

۴ - روزنامه کیهان، ۱۶، ۱۳۷۸، ۴

۵ - روزنامه نشاط، ۱۷، ۱۳۷۸، ۴



تیزتر روزنامه امروز در حمایت از روزنامه سلام



در پی کشته شدن خانم بی نظیر بوتو در پاکستان انگشت اتهام به سرعت به سوی مخالفان او نشانه رفت و از این جهت اعتبار و اقبال سیاسی قابل توجهی برای حزب او به وجود آمد

پی نوشت

6 - <http://www.globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=7687>

شهر راولپندی به وسیله یک مرد تیرانداز و در یک عملیات انتحاری، ترور و کشته شد.

فارق از نحوه کشته شدن رهبر حزب مردم پاکستان، تحلیل ها و دلایلی که درباره ترور وی وجود دارد و اتهاماتی که متوجه دیگران می شود قابل توجه است.

در اولین تحلیل ها و مصاحبه های انجام گرفته، انگشت اتهام به سوی پرویز مشرف رئیس جمهور سابق پاکستان می رود زیر بوتو پس از ورود به خاک پاکستان به شدت از سیاست های مشرف و قدرت دیکتاتوری وی انتقاد می کند و رقیب اصلی وی برای گرفتن سمت نخست وزیر تلقی می شود.

دیگر متهمین این پرونده، گروه های سلفی همچون طالبان و القاعده محسوب می شوند که بنا بر نامه بوتو به پرویز مشرف، این دو گروه، بارها بی نظیر را تهدید به مرگ کرده بودند.

متهم بعدی قتل بوتو، سازمان اطلاعاتی پاکستان است که با حمایت مشرف و سرویس های اطلاعاتی غربی برای منافع سازمانی اقدام به ترور بوتو کرده است.^۶

به دنبال ترور بوتو، بعضی از شهرها و ایالت های پاکستان در حالت فوق العاده قرار گرفت و جمعیت کثیری از مردم و حامیان بوتو اقدام به تظاهرات علیه دولت وقت کردند و همه منتظر تصمیم بعدی حزب مردم بودند.

متهم کردن رقیب



یکی از اهداف رایج بحران سازی دولتی، متهم کردن رقیب سیاسی و بی اعتبار کردن آنهاست. منظور از این بحران سازی ها آن است که رقبای دولت مستقر به عنوان عاملان آن بحران شناخته شوند و از این رو در عرصه سیاسی بی اعتبار شوند. از چنین روشی غالباً در بحران های ساخته شده ناگهانی مانند قتل های مهم و ... استفاده می شود. به عنوان مثال در پی کشته شدن خانم بی نظیر بوتو در پاکستان انگشت اتهام به سرعت به سوی مخالفان او نشانه رفت و از این جهت اعتبار و اقبال سیاسی قابل توجهی برای حزب او به وجود آمد. (البته می توان گفت که این مثال خوبی برای بحران سازی دولتی نیست اما مثال خوبی برای متهم کردن رقیب است)، ترور سعید حجاریان عضو شورای شهر تهران و یا ترور رفیق حریری نخست وزیر اسبق لبنان نمونه های از بحران های ایجاد شده برای متهم کردن رقیب بوده است.

ترور بی نظیر بوتو، عاملی برای متهم کردن رقیب

بی نظیر بوتو نخست وزیر سابق پاکستان و رهبر حزب اپوزیسیون مردم پاکستان در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۷ و در



رئیس جمهور و رئیس دفتر وی

درباره ی مردمی که در اسرائیل زندگی میکنند، اظهار نظری میکند. البته این اظهار نظر، اظهار نظر غلطی است. اینی که گفته شود ما با مردم اسرائیل هم مثل مردم دیگر دنیا دوستیم! این حرف درستی نیست؛ حرف غیرمنطقی ای است... حالا کسی حرف اشتباهی میزند، عکس العملهایی هم در مقابل آن نشان داده می شود. خوب، مسئله را باید تمام کرد. این که یک روز یک نفر از این طرف بگوید، یکی از آن طرف بگوید، یکی اینجور استدلال کند، یکی از آن طرف حرف بزند، درست نیست. این التهاب آفرینی است. حرفی بود، گفته شد و اشتباه بود و تمام. موضع دولت جمهوری اسلامی هم این نیست... این حرف خطائی بود، حرف درستی نبود. این را نباید وسیله التهاب قرار داد. من خواهش می کنم از همه، اینجور مسائل کوچک و مسائل جزئی را حرفی که بر زبان کسی جاری می شود؛ مطلبی گفته می شود وسیله ای قرار ندهند برای اینکه مدتی جریان سازی و مسئله آفرینی در سرتاسر کشور بشود؛ یک عده مخالف، یک عده موافق، سر قضیه ای پوچ، موضع نظام هم معلوم است. تمام شد.

پی نوشت

7 - <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=4050>

صنعت گردشگری عنوان کرد: ایران امروز با مردم آمریکا و اسرائیل دوست است. هیچ ملتی در دنیا دشمن ما نیست این افتخار است...» به دنبال این اظهار نظر موج جدیدی از مخالفت ها علیه دولت و شخص مشایی بوجود آمد به گونه ای که کشور از مسیر اصلی خود در راستای پیشرفت منحرف شده و اغلب اظهار نظرها و تحلیل ها در جوامع سیاسی و مذهبی حول این اظهار نظرمی چرخید.

در کنار این انحراف کشور از موضوع اصلی نظام و پرداختن به موضع فرعی، اعلام موضع رسمی دولت نیز بر آتش این انحراف افزود، به گونه ای که محمود احمدی نژاد رئیس جمهور دولت نهم در کنفرانس خبری گفت: در ماجرای اخیر ضمن احترام به تمام کسانی که اظهار نظر کردند، بخصوص نمایندگان مجلس تشکر می کنم که حساسیت نشان دادند؛ اما می گویم که آقای مشایی مظلوم واقع شد. وی هیچ گاه نگفته ملت اسرائیل. مشایی از ۱۸ سالگی در صحنه های انقلاب بوده است موضع وی موضع دولت است.

به دنبال این اظهار نظر بار دیگر تمام توجه کشور به این اظهار نظر منعطف شد لکن مقام معظم رهبری در خطبه دوم خود در نماز جمعه با غلط خواندن و پوچ دانستن این اظهار نظر فرمودند: یک نفر پیدا می شود

مشغول کردن مخالفین



هدف دیگری که به طور معمول از بحران سازی دولتی دنبال می شود مشغول کردن مخالفین است. در این شیوه دولت مستقر با ایجاد بحران و مشغول کردن افکار عمومی و مخالفان خود به آن بحران در واقع اهداف و برنامه های خود را پیش می برد. به طول معمول در این شیوه نوعی از تقسیم کار در دولت مستقر صورت می گیرد. در این تقسیم کار بخشی از دولت یا عناصری از آن به بحران سازی و مشغول کردن دیگران می پردازند و بخشی دیگر با جدیت و برنامه ریزی دو چندان به دنبال تحقق اهداف خویش خواهند بود.

■ اظهار نظر «دوست داشتن مردم اسرائیل»، دستاویزی برای مشغول کردن رقبای منتقدین

یکی دیگر از نمونه های بحران سازی توسط دولت مستقر در مشغول کردن مخالفین از منظر داخلی، ماجرای اظهارات یکی از مدیران ارشد دولت نهم مبنی بر دوست بودن ملت ایران با مردم اسرائیل و آمریکا است.

اسفندیار مشایی در همایش نوآوری و شکوفایی در

۱۸ - انصراف ایجاد کردن در افکار عمومی نسبت به مسائلی خاص (انصراف افکار عمومی)



پرداختن به موضوع زلزله هایبیتی را می توان به عنوان نمونه ای از انحراف افکار عمومی آمریکا نسبت به رکود اقتصادی در این کشور دانست



مشاهده میان اردغان و پرز در اجلاس داووس



دیدار اردوغان با هیلاری کلینتون در حاشیه کنفرانس ضد سوری (دوستان سوریه)

یکی دیگر از علل بحران سازی دولتی، منحرف کردن افکار عمومی است. در این شیوه تلاش می شود که در حالی که دولت در حال انجام اقدامات در عرصه های مهم دیگری است، با ایجاد بحران های ساختگی در یک عرصه دیگر اذهان عمومی از اقدامات اصلی منصرف گردد و افکار عمومی دچار انحراف از اصل موضوع شود. در چنین مواردی به طور معمول بحران ساخته شده جدی و واقعی نیست بلکه نوعی جنگ زرگری و بحران ساختگی در میان خواهد بود که هدف از آن صرفاً مشغول کردن اذهان و جلوگیری از توجه آنها به مساله اصلی است. به عنوان مثال گاه مشاهده می شود که دولت هایی که در حال انجام اقداماتی بر خلاف اصول و مبانی و ارزش ها یا خواست مردم هستند در همان زمان دست به بحران سازی هایی در عرصه های دیگر می زنند.

به عنوان مثال زلزله هایبیتی را می توان به عنوان نمونه ای از انحراف افکار عمومی آمریکا نسبت به رکود اقتصادی در این کشور دانست و یا اظهارات رئیس دفتر رئیس جمهور ایران درباره مکتب ایرانی نیز مثالی برای انحراف افکار عمومی نسبت به اصول کشور بوده است.

■ مخالفت ظاهری سران ترکیه با رژیم صهیونیستی، عاملی برای انحراف افکار عمومی

یکی از نمونه های بارز در انحراف افکار عمومی، مخالفت ظاهری، منقطع و متناقض سران ترکیه با رژیم صهیونیستی است به گونه ای که رجب طیب اردوغان در حاشیه اجلاس داووس به شکل قابل توجهی با «شیمون پرز» رئیس رژیم صهیونیستی مخالفت کرد و حتی اجلاس داووس را به دلیل حضور پرز ترک کرد و نتیجه این اقدام وی، تحسین سراسری از سوی اکثریت کشورهای اسلامی بود، لکن بعد از این اقدام هیچ اقدامی در کاهش روابط میان ترکیه و رژیم صهیونیستی دیده نشد و حتی بعد از تماس تلفنی میان اردوغان و پرز، توافق های نظامی میان دو طرف امضا شد.

از سوی دیگر، همزمان با موج بیداری اسلامی در منطقه ترکیه آن روی خود را هم نشان داد و در رفتار و اظهار نظرهایی نشان دادند که مسئولین ترک به دنبال مسائلی دیگر هستند و چیزی دیگر را دنبال می کنند. به نظر می رسد دولت ترکیه برای تبدیل شدن به قطب اقتصادی، نظامی و سیاسی منطقه و همچنین برای تحت فشار قرار دادن غرب از یکسو قدرت خود را به رخ غرب و رژیم صهیونیستی می کشد و از سوی دیگر، در راستای منافع غرب حرکت می کند که موض گیری اخیر ترکیه در موضوع سوریه و حمایت همه جانبه از مخالفان دولت سوریه از این منظر قابل بررسی است.



۶ = امتیاز گرفتن

بحران سازی گاه ابزاری برای امتیازگیری داخلی است؛ دولت برای امتیاز گرفتن از مابقی ارکان یک نظام مثل مجلس، قوای انتظامی و نظامی یا قضایی و ... و تحت فشار قرار دادن آنها گاه دست به بحران سازی می‌زند. چنین حالتی گاه باعث می‌شود که دیگر مراکز و نهادهای یک نظام مستقر در برابر دولتی که توان بحران سازی قابل توجهی دارد خلع سلاح شده و دست از مخالفت بردارند. در شیوه امتیازگیری از طریق بحران سازی آنچه مهم است آن است که کدام یک از دو طرف توان بحران پذیری و تحمل بالاتری نسبت به بحران‌ها دارند. (مثال خوب این زمینه مثال مسابقه رانندگان در نظریه‌ی بازی‌هاست.)

به عنوان مثال ماجرای جمهوریت رضاخان و کناره‌گیری ظاهری وی از نخست وزیری و رفتن به رودهن یکی از نمونه‌های امتیازگیری وی از مجلس ملی پنجم بود، به گونه‌ای که بعد از استعفای وی و عملیات روانی حامیان رضا شاه، اکثریت مجلس پنجم به دلیل امنیت کشور و ترس از شورش‌های بر خلاف رأی شهید مدرس به نخست وزیری رضاشاه تن دادند.

■ رسوایی مونیکا، امتیازی در جهت منافع رژیم صهیونیستی

ماجرای رسوایی مونیکا (رسوایی جنسی بیل کلینتون) یکی از نمونه‌های بحران سازی در عرصه بین‌الملل برای امتیازگیری از حریف است.

رسوایی جنسی بیل کلینتون واقعه‌ای است که در جریان آن مونیکا لوینسکی کارآموز جوان کاخ سفید که از سال ۱۹۹۴ به تدریج با بیل کلینتون رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا رابطه نزدیکی برقرار کرده بود، اقدام به برقراری رابطه جنسی پنهانی می‌کند. جمهوری خواهان از طریق کنت استار دادستان ویژه، بیل کلینتون را تحت تعقیب قرار دادند، وی در ابتدا منکر هرگونه رابطه نامشروع با لویینسکی شد اما در پی افشای مدارک غیر قابل انکار، سرانجام در مقابل دوربین‌های تلویزیون به گناه خود اعتراف و از مردم ایالات متحده آمریکا عذرخواهی کرد.

در سال ۱۹۹۹ مجلس سنای ایالات متحده آمریکا کلینتون را به اتهام ادای شهادت دروغ و تلاش برای جلوگیری از اجرای عدالت محاکمه کرد؛ اما وی با یک رای اضافی توانست از برکناری رهایی یابد.

برخی از منابع خاورمیانه‌ای اصل ماجرا را اگر نه توطئه‌ای از سوی اسرائیل، حداقل در جهت منافع اسرائیل می‌دانند. همزمانی اعترافات مونیکا با کنفرانس سه جانبه صلح خاورمیانه، یهودی بودن مونیکا و فشارهای کلینتون بر اسرائیل برای توقف شهرک‌سازی، دلایل این گروه را تشکیل می‌دهد.^{۹۸}



به عنوان مثال ماجرای جمهوریت رضاخان و کناره‌گیری ظاهری وی از نخست وزیری و رفتن به رودهن یکی از نمونه‌های امتیازگیری وی از مجلس ملی پنجم بود، به گونه‌ای که بعد از استعفای وی و عملیات روانی حامیان رضا شاه، اکثریت مجلس پنجم به دلیل امنیت کشور و ترس از شورش‌های بر خلاف رأی شهید مدرس به نخست وزیری رضاشاه تن دادند.

پی‌نوشت



تأثیر انفجار بعد از کشته شدن رفیق حریری



سعد الحریری در کنار بشار اسد

پی‌نوشت

- 10 - http://www.bollyn.com/political-assassinations/#article_12875
 11 - <http://www.english.moqawama.org/essaydetailsf.php?eid=11952&fid=11>
 12 - <http://globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=22246>

۷۲ = سرکوب مخالفین

یکی دیگر از علل بحران سازی ایجاد بهانه برای سرکوب مخالفان است. در این شیوه دولت مستقر بحرانی ساختگی ایجاد می‌نماید و از طریق متهم کردن مخالفین به ایجاد این بحران آنها را در معرض سرکوب قرار می‌دهد. در این شیوه تلاش می‌شود تا بحران به صورتی ایجاد شود که گناه و اتهام آن به گروه مخالفین نسبت داده شود و آنگاه بهانه و توجیه لازم جهت سرکوب آنها فراهم می‌شود.

■ ترور رفیق حریری

یکی از نمونه‌های قابل توجه برای متهم کردن رقبا در عرصه بین‌الملل توطئه ترور «رفیق حریری» نخست وزیر سابق لبنان بود که با توجه به مقبولیت وی در میان گروه‌ها و مردم لبنان، متهم کردن حزب‌الله و سوریه به ترور رفیق حریری پیروزی بزرگی برای گروه‌های مخالف مقاومت به خصوص آمریکا و رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود.

از اثرات متهم کردن سوریه در ترور رفیق حریری، تحت فشار قرار گرفتن سوریه در داخل و خارج از لبنان برای خروج نیروها و سازمان‌های سوری از داخل لبنان بود که با توجه به فشارهای داخلی و بین‌المللی سوریه مجبور به عقب نشینی از لبنان شد؛ چندی پیش سعد الحریری نخست وزیر سابق و فرزند رفیق حریری در مصاحبه با روزنامه الشرق الاوسط اعلام کرد که متهم کردن سوریه در ترور پدرم، کاملاً اشتباه و سیاسی بوده است و سوریه هیچ نقشی در این بین ندارد.^{۱۰}

از سوی دیگر، متهم کردن حزب‌الله لبنان بعد از مقبولیت حزب الله در جنگ ۳۳ روزه یکی دیگر از اهداف متهم کردن رقبا آمریکا و اسرائیل در لبنان بود لکن با توجه به هوشیاری سید حسن نصرالله و ارائه شواهد متقن ایشان مبنی بر دخالت رژیم صهیونیستی، فرانسه و گروه‌های سلفی در ترور رفیق حریری، در حد وسیعی از فشارهای داخلی و خارجی علیه حزب الله لبنان کاسته شد.^{۱۱}

نیروهای طالبان در کنار ارتش آمریکا

عباس عیدی در کنار تاج زاده



۱۴ = پتانسیل قدرت

یکی دیگر از علل بحران سازی، زمینه‌سازی برای باقی ماندن در قدرت و تداوم حاکمیت خویش است. به طور معمول جایجایی در قدرت و گردش آن نیازمند میزانی از ثبات و آرامش است. ایجاد بحران توسط یک دولت در صورتی که به خوبی مدیریت شود می‌تواند در شرایط خاص آن و با تمهیداتی به جلوگیری از چرخش و تغییر در قدرت منجر شود. به عبارت بهتر گاه شرایط بحرانی توجیهی برای باقی ماندن دولت در قدرت ایجاد می‌کند.

بحران سازی آمریکا در عراق و گسترش انفجارها و ناامنی‌های وسیع در این کشور نمونه‌ای از اقدامات ارتش آمریکا برای باقی ماندن در صحنه سیاسی نظامی عراق است.

۱۵ = افشای سندی مبنی بر بازگشت طالبان به عرصه قدرت در افغانستان

یکی از مصداق‌های عملیات روانی آمریکا برای باقی ماندن در قدرت بین‌المللی، ایجاد بحران و عدم امنیت در مناطق مختلف جهان است، به عنوان مثال آمریکا با خطرناک جلوه دادن ایران و مسئله هسته‌ای، نه تنها حضور خود در خلیج فارس را استحکام می‌بخشد بلکه با ترفندهای بسیاری تسلیحات ساخته شده خود را با در سطح وسیعی به کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌فروشد.

یکی از بحران‌های ایجاد شده توسط آمریکا در افغانستان، افشای سند خیلی سری ارتش آمریکا مبنی بر بازگشت دوباره طالبان به عرصه قدرت در افغانستان بود.

در این سند با اشاره به نقش دولت، ارتش و سازمان اطلاعاتی پاکستان مبنی بر حمایت همه جانبه از احیای مجدد طالبان، نسبت به تخلیه همه جانبه نیروهای آمریکایی از افغانستان هشدار داده است.^{۱۳}

بنابر نظر کارشناسان، یکی از دلایل اصلی افشای این سند، نیاز آمریکا به دستاویزی برای حضور خود در افغانستان است به صورتی که برای استمرار حضور

نظامیان آمریکایی در منطقه به خصوص افغانستان، نیاز به بزرگ جلوه دادن و حتی بزرگ کردن عمدی طالبان در افغانستان وجود دارد.

۱۶ = توجیه ضعف‌های خود

یکی دیگر از علل بحران سازی دولت‌ها توجیه ضعف‌های خود است. در صورتی که دولتی کارنامه موفق‌تری در یک زمینه خاص نداشته باشد، با ایجاد بحران و چالش در آن زمینه می‌تواند مدعی شود که کارشکنی مخالفان و وجود بحران‌های حاصل از این کارشکنی باعث شده است که کارنامه دولت در آن عرصه چندان درخشان نباشد. به عبارت بهتر بحران سازی زمینه‌ای برای توجیه عملکرد نامناسب به کار گرفته می‌شود. به عنوان مثال بزرگ‌نمایی خطر القاعده در جهان توسط رسانه‌های آمریکایی نمونه‌ای از توجیه ضعف آمریکا برای مقابله با این گروهک سلفی است.

۱۷ = ماجرای لوایح دوگانه خاتمی، دلیلی بر توجیه ضعف دولت اصلاحات

لایحه‌های افزایش اختیارات رئیس‌جمهور و حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان که از سوی دولت سید محمد خاتمی به مجلس ششم ارائه شد به لوایح دوقلو معروف شده‌اند. در تاریخ ۱۳۸۱/۶/۸ آقای سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت، به مناسبت هفته دولت در مصاحبه‌ای با خبرنگاران داخلی و خارجی، خبر از لایحه «اصلاح قانون انتخابات مجلس» از سوی دولت داد.

خاتمی همچنین در آن مصاحبه، از ارائه لایحه‌های که «تبیین حدود وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور» می‌نامید، سخن گفت. در آن زمان یکی از مباحث مسئله ساز در خصوص این لایحه، که مشارکتی‌ان را مطرحی کردند، جایگزینی واژه «افزایش اختیارات» بود.

در ارائه لایحه اصلاح قانون انتخابات، حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان یکی از اصول اصلی این لایحه قلمداد می‌شد که اصلاح‌طلبان و اکثریت نمایندگان مجلس ششم به دنبال تصویب این اصل لایحه بودند.

در حالی که لوایح دوگانه هنوز به تصویب مجلس اصلاحات نرسیده بود، نیروهای حزب دولت ساخته مشارکت که اکثر بدنه مدیریتی دولت سید محمد خاتمی را تشکیل می‌دادند چون رد شدن لوایح از سوی شورای نگهبان به دلیل تناقضات مختلف لوایح با قانون اساسی را حتمی می‌دانستند، دست به حرکات جنجالی زدند و رد لوایح از سوی شورای نگهبان را مسبب بحران در نظام و استعفای خاتمی دانستند.

در همین راستا عباس عیدی، مشاور خاتمی و از توابعین فاتیح لانه جاسوسی آمریکا، رد لوایح دوگانه توسط شورای نگهبان را عامل فروپاشی نظام جمهوری اسلامی دانست و تهدید کرد که: «بقای نظام در گرو تصویب و تأیید لایحه تبیین اختیارات رئیس‌جمهوری و اصلاح قانون انتخابات است... جز تصویب و تأیید این لوایح، هر برخورد دیگری که با آنها صورت گیرد، نه تنها مشکلات نظام را حل نخواهد کرد بلکه ممکن است به فروپاشی نیز منجر شود».

وی همچنین «تر خروج از حاکمیت» مشارکتی‌ها را افشا نمود: «در صورت تأیید نشدن کامل این دو لایحه، اصلاح‌طلبان از حاکمیت خارج خواهند شد؛ زیرا عملاً کاری از دست آنها برنخواهد آمد تا به مطالبات مردم پاسخ دهند. خروج از حاکمیت هم شامل استعفای دسته جمعی رئیس‌جمهوری و نمایندگان مجلس ششم است»^{۱۴}

سعید حجاریان یکی از تنوربسیان‌های جریان اصلاحات، دو ماه بعد درباره لوایح دوگانه و خطوط قرمز خاتمی گفت: «اگر خط قرمز [خاتمی] را بشکنند، ادامه نخواهد داد و بار دلوایح دوگانه، خاتمی از رئیس‌جمهوری کناره‌گیری خواهد کرد»^{۱۵}.

پی‌نوشت

13 - <http://www.foxnews.com/world/31/01/2012/classified-us-report-says-taliban-ready-to-take-power-in-afghanistan-backed-by/>

۱۴ - روزنامه آفتاب یزد، ۱۳۸۱، ۶، ۲۵

۱۵ - روزنامه همبستگی، ۱۳۸۱، ۸، ۱۱



در فرانسه دولت مستقر در شرایط بحرانی قانونا اجازه دخالت در اختیارات سایر قوا را دارد، نمونه دیگر بحران درمانی را در ۱۱ سپتامبر مشاهده کردیم که دولت آمریکا با استفاده از بمب خبری این واقعه توانست با نقاب مظلوم نمایی تهاجم گسترده‌ای را علیه افغانستان و عراق با توجیه مبارزه با تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی به راه بیاندازد. ■ ■ ■



مقبره عرفات در رام‌الله



پی‌نوشت

16 - <http://londonprogressivejournal.com/article/493/who-killed-yasser-arafat-and-why>
17 - http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/4032257.stm

تصفیه حساب = ۱۰

گاه بحران سازی صرفا برای تصفیه حساب و صدمه زدن به یک گروه خاص است. ایجاد بحران‌های موضعی و کوتاه مدت در یک عرصه خاص برای زمین زدن و به خاک سیاه نشانیدن یک فرد یا گروه امر متعارفی در عرصه سیاست غیر اخلاقی است. از این شیوه برای مقاصد سیاسی و ... استفاده می‌شود و با ایجاد بحران در یک عرصه خاص اعتبار، وجهه‌ی سیاسی و ... یک فرد یا گروه و ... از میان می‌رود. از نمونه‌های قابل توجه در این مسئله می‌توانیم به موضوع دشمنی غرب نسبت به سوریه و شخص بشار اسد اشاره کنیم، به نحوی که تمام دشمنی غرب و اعراب منطقه و حتی سوریه، برای خارج کردن بشار اسد از چرخه قدرت سوریه است تا خط مقاومت در خاورمیانه علیه رژیم صهیونیستی دچار ضعف و ناکارآمدی شود.

■ مرگ یاسر عرفات، تصفیه حساب رژیم صهیونیستی و رقبای عرفات

عرفات در ۱۱ نوامبر ۲۰۰۴ در سن ۷۵ سالگی، پس از تحمل ۳ سال محاصره صهیونیست‌ها در «المقاطعه» مقر تشکیلات خودگردان فلسطین در رام‌الله به یک بیماری مشکوک مبتلا شد و به بیمارستان نظامی «پرسی» در پاریس انتقال یافت و در آنجا درگذشت. ۵ سال بعد از مرگ مشکوک عرفات، نقل قول‌هایی و شواهدی مبنی بر قتل عرفات توسط سم ناشناسی در رسانه‌ها مطرح شد و انگشت اشاره به سمت رژیم صهیونیستی و رقبای عرفات نشانه رفت. ناصر القدوه، رئیس کمیته اداره موسسه یاسر عرفات، از کوتاهی این موسسه از شناخت دلایل واقعی مرگ یاسر عرفات در ۱۱ نوامبر ۲۰۰۴ سخن گفت. القدوه بار دیگر تاکید کرد که فلسطینیان بر این باور خود تاکید می‌کنند که اسرائیل مسئول مستقیم مسمومیت یاسر عرفات است.^{۱۶}

با این که در آغاز سال ۲۰۰۷ میلادی «فهمی شبانه» افسر سابق سرویس اطلاعات تشکیلات خودگردان اعلام کرد که شواهد به دست آمده حکایت از آن دارد که یاسر عرفات توسط سمی به نام «تولونیوم» و توسط مخالفان فلسطینی‌اش مسموم شده بود. این درحالی است که فاروق القدومی، دبیر کل کمیته مرکزی جنبش فتح «محمود عباس را به همکاری با رژیم صهیونیستی جهت ترور یاسر عرفات متهم کرد و در همین راستا» رافی ایتان، از وزرای سابق حزب عمل و از مسئولان سابق موساد احتمال داشتند «محمد دحلان» و «محمود عباس» در این توطئه را رد نکرد.^{۱۷} از سوی دیگر، روزنامه اسپانیایی «الموندو» به نقل از «سعید العساف» یکی از پزشکان معالج عرفات نوشت: به نفع اسرائیل و رهبران تشکیلات خودگردان است که دلایل مرگ عرفات را پیگیری نکنند و اکنون ۵ سال از مرگ عرفات می‌گذرد اما هنوز مرگ وی بعنوان یک راز باقی مانده است؛ این روزنامه در ادامه می‌افزاید: بعد از تخریب وجهه عرفات در جهان عرب، به وی ویروس ایدز تزریق شده است و عرفات بر اثر آلوده شدن به این ویروس از دنیا رفته است.

جولین آسانژ مدیر ویکی‌لیکس



تصویری از حادثه یازده سپتامبر



مبارزه با تروریسم جهانی موجب لشکرکشی آمریکا به کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه گردید. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، بسیاری از مسلمانان تحت تعقیب قرار گرفتند و صرفاً به بهانه داشتن نام اسلامی یا پوشش اسلامی در آمریکا و سایر کشورهای متأثر از سیاست‌های نظام بین الملل بازداشت می‌شدند، آمار اسلام هراسی در کشورهای غربی به خصوص آمریکا افزایش یافت و آمریکا توانست با توجیه مبارزه با تروریسم بین‌المللی به صورت گسترده‌ای وارد خاورمیانه بشود.^{۱۱}

پی‌نوشت

18 - <http://blogs.reuters.com/global/2010/11/29/wikileaks-scandal-is-the-united-nations-a-den-of-spies/>
19 - <http://www.rawstory.com/rs/2010/12/6/assange-rape-accuser-cia-ties/>
20 - <http://rt.com/usa/news/cispa-internet-facts-figures006/>
21 - <http://www.thenational.ae/news/world/islamophobia-increases-since-9-11>

۱۱ - بحران درمانی

اصولاً لفظ بحران در ادبیات انگلیسی از ریشه پزشکی گرفته شده است و به نقطه عطف بیماری و شدت یافتن آن اطلاق می‌شود. در عمل نیز در برخی موارد از بحران سازی برای درمانی یک مساله یا حالت که در شرایط عادی قابل حل نیست استفاده می‌شود. در این شیوه وقتی که یک مساله در حالت عادی قابل حل نیست به صورت یک بحران جلوه می‌کند امکان حل آن ایجاد می‌شود. به عنوان مثال دولتی که در شرایط عادی حق انجام یک عمل خاص را ندارد در شرایط بحرانی (هر چند که خود آن دولت ایجاد کننده آن بحران باشد) امکان انجام آن عمل را می‌یابد. بحران درمانی به طور معمول روشی برای افزایش اختیارات دولت است. به عنوان مثال در فرانسه دولت مستقر در شرایط بحرانی قانوناً اجازه دخالت در اختیارات سایر قوا را دارد. نمونه دیگر بحران درمانی را در ۱۱ سپتامبر مشاهده کردیم که دولت آمریکا با استفاده از بمب خبری این واقعه توانست با نقاب مظلوم‌نمایی تهاجم گسترده‌ای را علیه افغانستان و عراق با توجیه مبارزه با تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی به راه بیندازد.

■ افشای ویکی‌لیکس، بحرانی برای مشروع کردن قوانین خاص سایبری

ویکی‌لیکس یک «مؤسسه غیرانتفاعی رسانه‌ای» است که از همان آغاز فعالیت اعلام کرد که آمادگی دارد هر مدرکی را با ذکر یا بدون ذکر منبع ارائه دهنده مدرک، روی سایت بگذارد. البته این سایت برای جلب توجه عمومی و در واقع بی طرف بودن خودن به نقض حقوق بشر در عراق و افغانستان پرداخت. فیلم معروفی که در فروردین ماه ۸۹ به صورت گسترده منتشر شد و در آن افراد غیرنظامی و از جمله چند روزنامه‌نگار توسط نظامیان آمریکایی در عراق مورد هدف قرار گرفته و کشته شدند؛ نشانه‌ای بر صداقت این سایت بود که اندک اندک قصد داشت تا آذهان عمومی جهان را تحت تأثیر قرار دهد.

لکن چند ماه پس از انتشار اسنادی درباره وزارت خارجه آمریکا و مذاکرات میان دیپلمات‌های آمریکایی با رهبران دیگر کشورها^{۱۸}، «جولین آسانژ» مدیر ویکی‌لیکس به اتهام فساد اخلاقی در لندن بازداشت می‌شود و بعد از مدت کوتاهی بدون اثبات جرم آزاد می‌شود.^{۱۹}

لکن نکته قابل توجهی که بعد از افشای ویکی‌لیکس در آمریکا اتفاق افتاد، سخت‌گیری‌ها و تصویب لوایحی بود که به دولت آمریکا اجازه می‌دهد جاسوسی همه جانبه و نسبت به همه شهروندان آمریکایی و غیر آمریکایی در فضای سایبر داشته باشند.

تلاش دولت آمریکا برای تصویب دو قانون سیسپا (CISPA) و سوپا (SOPA) نمونه‌ای از این لوایحی است که بعد از ماجرای ویکی‌لیکس در آمریکا اتفاق افتاده است.^{۲۰}

۱۲ - ایجاد دسته‌بندی‌های جدید قدرت

«افزاد دوران جدید قدرت» (order out of chaos)

این علت بحران سازی علتی بسیار مهم و قابل توجه و

در عین حال پیچیده است. در این شیوه دولت با ایجاد بحران تلاش می‌کند تا ساختار و چارچوب‌بندی‌های رسمی یا غیر رسمی گذشته را بر هم زده و دوره جدید و نویی را از دسته بندی‌های قدرت ایجاد نماید. از این شیوه گاه به «نظم برخاسته از بحران» تعبیر می‌شود. مثال مشهور این زمینه نظم‌های نویی است که در دنیا با بحران سازی به وجود آمده‌اند. مثلاً اقدامات هیتلر، حرکت ناپلئون بناپارت و ... نمونه‌ای از این بحران سازی‌هاست؛ البته باید توجه داشت که این شیوه فقط مصرف خارجی و بین‌المللی ندارد و گاه در درون کشورها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

■ حادثه یازده سپتامبر، بحرانی برای تغییر نظم بین‌المللی

حادثه یازده سپتامبر عامل اساسی و قطعی سیاست‌های تهاجم گرایانه و توسعه طلبانه آمریکا نیست بلکه مستمرک و بهانه لازم در توجیه اقدامات بعدی آمریکا به دست تصمیم سازان و گروه‌های فکری سیاست خارجی آمریکا است. در حقیقت این حادثه به مثابه کاتالیزوری در سیاست خارجی آمریکا بود که به بهانه



۱۱ - مقاله در گذر

گاه نباید برای بحران سازی یک دولت مستقر علت پیچیده و پشت پرده‌ای را در نظر گرفت. علت برخی از بحران سازی‌های دولتی به سادگی حماقت یا بی‌تدبیری افراد و یا تصمیم‌گیرندگانی در آن دولت هستند. چنین حماقت‌ها و بی‌تدبیری‌هایی در عرصه سیاست بی‌سابقه نیست و گاه شاهد آن هستیم که یک دولت مستقر با حماقت و بی‌تدبیری خویش بحران می‌سازد و یا یک بحران موجود را چندین برابر می‌کند؛ به عنوان مثال، مقاله رشیدی مطلق قبل از انقلاب، به کاتالیزوری برای تسریع پیروزی انقلاب اسلامی تبدیل شد.

۱۲ - برگزاری مسابقات فرمول یک در بحرین، وسیله‌ای برای شنیدن صدای ملت مظلوم بحرین

یکی از بی‌تدبیری‌های حکومت آل خلیفه برگزاری مسابقات فرمول ۱ بحرین است تا بتواند این مسئله را اثبات کند که این کشور هیچ بحرانی ندارد و اوضاع این کشور تحت کنترل است تا بتواند مشروعیت آسیب دیده خود را ترمیم کند.^{۲۲}

از سوی دیگر، در کنار اعتراض مردم بحرین به برگزاری مسابقات فرمول ۱، انقلابیون با استفاده از کمترین امکانات موجود توانستند از برگزاری مسابقات به نحو احسن استفاده کرده و صدای خود را به خارج از بحرین برسانند.

لکن به دنبال برگزاری مسابقات فرمول ۱ و دعوت شرکت کنندگان از سراسر جهان به این مسابقه، عملاً این مسابقه به رسانه‌ای برای شنیده شدن و دیده شدن مردم مظلوم بحرین در روند بیداری اسلامی منطقه تبدیل شد تا جایی که گروه هندی «فورس ایندیا» محل مسابقات را به دلیل عدم امنیت لازم در بحرین ترک کرد.^{۲۳}

۱۳ - منافع اقتصادی بحران

بحران‌ها علی‌رغم ظاهر پرهزینه‌ای که دارند گاه بسیار پرمفعت هستند. لاقال می‌توان گفت که بحران‌ها به همان میزان که برای برخی پرهزینه و مخرب است برای دیگران پرمفعت و درآمدزا است. گاه درآمدهای یک بحران برای برخی که از وقوع و برنامه ریزی شده بودن آن بحران با خبرند به حدی است که کسی

از خارج آن حلقه بحران ساز نمی‌تواند جوانب آن را حدس بزند. به عنوان مثال فکر کنید که کسانی که در بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ میلادی برخی از بزرگترین شرکت‌های مالی و اقتصادی شرق آسیا را در پائین‌ترین قیمت‌های باورنکردنی آن خریداری کردند، چه سودی بردند؟

۱۴ - آنفلوآنزای خوکی بحرانی برای منافع اقتصادی

ماجرای شیوع آنفلوآنزای خوکی مدتی بود که عناوین مطبوعات و رسانه‌های مهم جهان را به خود اختصاص داده و توجه آنها را به خود جلب کرده بود به گونه‌ای که با مراجعه به شبکه‌های خبری تلویزیونی و روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها غربی در آن زمان دست‌کم یک یا دو خبر درباره این آنفلوآنزا مشاهده می‌کنیم؛ انتشار اینگونه اخبار در سطح جهان، سطوحی مختلف از هراس را در جوامع مختلف ایجاد می‌کند به گونه‌ای که اکثریت مردم جهان برای خلاصی از مشکلات به تکاپو می‌افتند.

فارق از مسائل پزشکی و حواشی آن، منابع خبری، گزارشی مبنی بر سیاسی و اقتصادی بودن آنفلوآنزای خوکی ارائه کردند.

«پاتول واتسون»، یک تحلیلگر سیاسی در مقاله‌ای که در پایگاه خبری پرین پلنت (PrisonPlanet) به چاپ رسانده است، با اشاره به آنفلوآنزای خوکی در جهان نوشت: شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه آنفلوآنزای خوکی مکزیکی نوعی سلاح بیولوژیک است؛ وی افزود: شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه آنفلوآنزای خوکی مکزیکی نوعی سلاح بیولوژیک است.^{۲۴}

بنابر اعلام کارشناسان اقتصادی، آنفلوآنزای خوکی سهام شرکت‌های بیوتکنولوژیکی را که با مراکز سیاسی در ارتباط هستند، افزایش چشمگیری داده است. «دونالد رامسفلد»، وزیر دفاع پیشین آمریکا، یکی از سهامداران و عضو هیات مدیره شرکت «گیلعاد ساینس» که عمده‌ترین تامین کننده داروهای این بیماری است، به شمار می‌رود.

«مایکل چسودوفسکی» تحلیلگر آمریکایی در گزارشی در «گلوبال ریسرچ» نوشت: آنفلوآنزای خوکی باعث شده است که ارزش سهام شرکت «بیگ فارما» افزایش چشمگیری یابد. بعد از انتشار گزارش‌های اولیه مبنی بر شیوع آنفلوآنزا در مکزیکی، تقاضای داروهای ضد آنفلوآنزا سر به فلک کشید.^{۲۵}

کیسول تامی‌فلو برای درمان آنفلوآنزای مرغی (تولید انحصاری گیلعاد ساینس)



پی‌نوشت

- 22 - <http://www.bellenews.com/22/04/2012/world/middle-east-news/bahrain-formula-1-grand-prix-has-taken-place-despite-continuing-anti-government-protests/>
24 - <http://www.telegraph.co.uk/sport/motorsport/formulaone/9213449/Bahrain-Grand-Prix-2012-Two-Force-India-workers-fly-home-after-mechanics-escape-Molotov-cocktail-attack.html>
24 - <http://www.prisonplanet.com/is-swine-flu-a-biological-weapon.html>
25 - <http://www.globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=13392>

۱۸ = نشرونی دانشتشی

یک علت دیگر بحران سازی دولت‌ها آن است که گاه دولت‌ها به صورتی دچار نفوذ مخالفین و دشمنان یک نظام مستقر شده‌اند. به عبارت بهتر در مواقعی که یک دولت مستقر دچار نفوذ دشمن خود شده است شاهد آن هستیم که دولت مورد نظر دست به بحران سازی‌هایی می‌زند که خود آن دولت را نیز دچار مشکل می‌کند.

■ الهاشمی و انفجارهای منسوب به وی در عراق

یکی از نمونه های ورود نفوذی در دولت مستقر، ماجرای بمب گذاری توسط مزدوران منسوب به «طارق الهاشمی» معاون رئیس جمهور عراق است. بعد از روشن شدن نقش الهاشمی در انفجارهای بغداد به خصوص بمب گذاری بر سر راه حرکت «نوری المالکی» نخست وزیر عراق، وی به کردستان عراق فرار کرد و سران کرد عراق نیز از تحویل وی به مقامات قضایی عراق ممانعت کردند. وی همچنین بعد از ورود به داخل ترکیه تحت حمایت مقامات ترکی قرار گرفت و حکومت ترکیه نیز از تحویل

وی به عراق خودداری کرد^{۱۶}.

۱۶ = ایجاد سردرگمی اطلاعاتی قتل‌های اطلاعاتی

علت دیگری که گاه باعث می‌شود که دولتی دست به بحران سازی بزند آن است که دولت وقت یا بحران سازان آن نیازمند حالتی از سردرگمی یا مخفی کردن چیزی هستند که به واسطه ایجاد یک بحران می‌توانند به آن اقدام کنند. این علت شبیه به علت ایجاد انحراف در افکار عمومی است با این تفاوت که به طور معمول در قتل‌های اطلاعاتی و سردرگم کردن مخاطب در تحلیل آنها چنین شیوه‌ای به کار گرفته می‌شود، به عنوان مثال قتل کندی، قتل‌های زنجیره‌ای در ایران را می‌توانیم نمونه‌ای از این نوع بحران سازی‌ها است.

■ مرگ ادواردو (مهدی) آنیلی، قتل برای آینده ایتالیا

ادواردو (مهدی) آنیلی یکی از شخصیت‌های بنام ایتالیا و به عنوان تنها فرزند پسر جیووانی آنیلی مالک ۷ کارخانه اتومبیل سازی ایتالیا همچون فیات، فراری، لامبورگینی

و آلفارومئو، مالک باشگاه ورزشی یونتوس و صاحب چند بانک و شرکت‌های بزرگ بود که درآمد سالانه آن‌ها به ۶۰ میلیارد دلار می‌رسید و اگر روال طبیعی طی می‌شد ادواردوی مسلمان شیعه، وارث اصلی و مدیر این مجموعه می‌شد و کسی که مدیریت این مجموعه را به دست می‌گیرد، در حقیقت در همه ارکان دولتی و غیردولتی، احزاب و رسانه‌های ایتالیا صاحب نفوذ خواهد بود.

فارغ از نحوه آشنایی ادواردو با دین اسلام و بعد از آن با مذهب شیعه، ماجرای مرگ وی هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، لکن با توجه به آینده پیش روی ادواردو و مخالفت خانواده به خصوص پدرش با مسلمان شدن ادواردو، خیلی دور از ذهن نیست که مرگ ادواردو بدون هماهنگی با سرویس‌های اطلاعاتی اتفاق افتاده باشد. مرگ شخصی که نه تنها شیعه شده است بلکه با سران ایران به خصوص حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری دیدار داشته و در صورت جانشینی پدر، قدرتمندترین شخص ایتالیا محسوب می‌شود!!!

پی‌نوشت

http://www.bbc.co.uk/news/world-middle-east-18009408-26

طارق الهاشمی متهم فراری عراق



ادواردو در نماز جمعه تهران



بحران سازی دولت

بولتن ویژه



نتیجه گیری کلی

به نظر می‌رسد بحران سازی در دولت‌ها، به عنوان حربه‌ای برای نائل شدن به اهداف مورد استفاده قرار می‌گیرد و این راهبرد تنها مختص به عرصه بین‌الملل نیست بلکه درون تمام اشکال نظام‌های حکومتی در کشور و یا حکومت دیگر، قابل توجیه و تفسیر است (بحران سازی‌های آمریکا در دیگر کشورها از جمله ایران، لکن وقتی بحران سازی دولت در درون جغرافیای سیاسی خود اتفاق می‌افتد، نیاز به تأمل و بررسی بیشتر دارد. آنچه در نوشتار فوق به دنبال آن بودیم، تبیین دلایل، چرایی و نشان دادن نمونه‌هایی از بحران‌های ساخته شده توسط دولت‌ها در عرصه بین‌الملل و یا داخل است که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز، مردم هرزگانه شاهد انواع بحران‌های دولت ساخته بوده‌اند. بحران‌هایی همچون حادثه کوی دانشگاه (تیر ۷۸)، فتنه ۸۸ و گاهی اوقات تورم‌های عجیب اقتصادی همه و همه نمونه‌هایی از بحران‌های دولت ساخته در عرصه داخلی است.

پایگاه تبیینی
و تحلیلی جریان شناسی
www.Didban.ir



نظرات، انتقادات و پیشنهادات
خود را برای دیدبان ارسال کنید:
didban@mail.com

www.didban.ir

www.Didban.ir

پایگاه علمی
و تحلیلی جریان‌شناسی

